

اخلاق، اقتصاد و محیط زیست

ابوالقاسم توحیدی نیا*



چکیده:

مکتب اصالت فایده که به زعم اکثر اقتصاددانان یکی از اساسی‌ترین پایه‌های علم اقتصاد متعارف را تشکیل می‌دهد و معیار کارآیی پارتو که مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است، مشکلات زیست‌محیطی متعددی را ایجاد کرده است که از آن جمله می‌توان به ایجاد اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی، توسعه ناپایدار و تضییع حقوق و ارزشهای انسانی اشاره کرد. بنابراین می‌توان آن را از مهمترین عوامل ایجاد اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی به حساب آورد. با توجه به اینکه راهکارهای اقتصادی رایج که به منظور جلوگیری از ایجاد لطمات زیست‌محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد، برای مبارزه با نابودی منابع طبیعی و تخریب محیط زیست به تنهایی کافی نیستند؛ اجرای مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام در جامعه می‌تواند با کاهش اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی و تحقق توسعه پایدار و استیفای حقوق انسانی بستر مناسبی را برای محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم کند.

واژگان کلیدی: منابع طبیعی و محیط زیست، نظام اقتصاد سرمایه‌داری، نظام اقتصادی اسلام، مکتب اصالت فایده و معیار کارآیی پارتو.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مقدمه:

ایده رایج، اقتصاد را به عنوان جریان کالاها و خدمات بین بنگاه‌ها و خانوارها در نظر می‌گیرد که البته متأثر از سیاستهای دولت می‌باشد و اقتصاد محیط زیست، جریان منابع طبیعی از محیط زیست و جریان زباله‌های تولید شده به محیط زیست را به آن اضافه می‌کند؛ زیرا بشر نمی‌تواند برای مدت طولانی اثرات ناشی از مصرف منابع طبیعی و تولید آلودگی را نادیده بگیرد.

از طرف دیگر علم اقتصاد درباره راه‌های توزیع منابع کمیاب بین اهداف رقیب بحث می‌کند. با توجه به اینکه در علم اخلاق دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد که چگونگی توزیع منابع بین افراد را از منظر دستوری (بایدها و نبایدها) مورد توجه قرار می‌دهد، امکان الحاق هریک از آن دیدگاه‌ها به الگوهای اقتصادی وجود دارد؛ اگرچه بسیاری از الگوهای اقتصادی تلاش می‌کنند که از قضاوت‌های ارزشی اجتناب نمایند؛ اما برخی از قضاوت‌های ارزشی به‌طور گسترده در اقتصاد مورد استفاده قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به مکتب «فردگرایی»^۱ و مکتب «اصالت فایده‌آ» اشاره کرد.

از منظر دیگر، قضاوت‌های ارزشی که زیربنای فعالیت‌های اقتصادی انسان را تشکیل می‌دهد، اثر مستقیمی بر چگونگی تعامل او با محیط زیست دارد؛ به طوری که مکاتب اخلاقی متفاوت، نتایج متفاوتی را در زمینه مسائل زیست‌محیطی به بار می‌آورد. در این مقاله نشان داده می‌شود که مشکلات زیست محیطی جدی که امروزه بشر با آن مواجه است، نخست، حاصل نوع نگاه ارزشی مکتب اقتصاد کلاسیک به انسان و

1 - Individualism.

2 - Utilitarianism.

سعادت اوست و بنابراین برای حل این مشکلات، چاره‌ای جز تجدیدنظر در قضاوت‌های ارزشی و اخلاقی نیست؛ دوم، مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام می‌تواند بستر مناسبی را برای جلوگیری از لطمات زیست محیطی فراهم آورد.

مبانی ارزشی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و مشکلات زیست محیطی ناشی از آن لیبرالیسم اقتصادی، مهم‌ترین اصل فکری و فلسفی نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که از دو اصل اصالت فرد و آزادی فردی تشکیل می‌شود (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۸۸).

بر مبنای بینش اصالت فرد، هسته و محور اصلی اجتماع، فرد است و اوست که از وجود حقیقی برخوردار است و اجتماع، فاقد وجود حقیقی است؛ زیرا چیزی جز مجموع تک‌تک افراد نیست و از این‌رو وجود اعتباری دارد. پس فرد و منافعش بر جامعه و مصالحش اولویت دارد. علاوه بر این، چون وجود فرد به لحاظ تاریخی هم مقدم بر اجتماع است؛ بنابراین حقوق و خواسته‌های او، به لحاظ اخلاقی، مقدم بر خواسته‌های جامعه است و بدین ترتیب مبانی فردی و سودجویی شخصی، جایگزین ارزشهای اخلاقی می‌شود (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۹۰). لیبرالیسم اقتصادی نتایج زیر را از آزادی فردی - که با عدم دخالت دولت حاصل می‌شود - برمی‌شمارد:

الف. تحقق مصالح عمومی؛ ب. ایجاد انگیزه فردی و رشد تولید و رفاه عمومی نتیجه طبیعی آزادی فردی، فراهم شدن زمینه رقابت است و با توجه به اینکه منافع فرد با منافع اجتماع همسو فرض شده است؛ بنابراین آزادی فردی از طریق رقابت به تأمین منافع و مصالح عمومی منتهی می‌شود.

به دنبال شرایط وخیم اقتصادی که در اوج حاکمیت لیبرالیسم، در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی ایجاد شد، تناقض لیبرالیسم با مکتب اصالت فایده آشکار شد. این تناقض زمانی بروز کرد که آزادی بیشتر به خوشبختی منتهی نشد و در پی آن این سؤال در اذهان شکل گرفت که در این شرایط کدامیک از دو اصل آزادی یا منفعت‌طلبی را باید ترجیح داد. بنتام^۱ که خود از فردگرایی لیبرال آغاز کرده بود، هدف

اصلی را رسیدن به خوشبختی یا لذت دانست. او اعتقاد داشت که آزادی تا جایی پسندیده است که وسیله‌ای در خدمت تحقق این هدف باشد (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۹۱). به این ترتیب هدف منفعت‌طلبی و مکتب اصالت‌فایده جایگزین هدف آزادی و اصل لیبرالیسم شد. براساس این مکتب تنها هدف و انگیزه زندگی، کوشش برای رسیدن به حداکثر بهره‌مندی و مطلوبیت است؛ بنابراین این مکتب پایه رفتار اخلاقی را در سودمندی می‌بیند و ارزشهای اخلاقی را تنها وقتی به رسمیت می‌شناسد که برای فرد یا جامعه، مطلوبیت یا رفاه ایجاد کند.

همسو با قضاوت‌های ارزشی نظام سرمایه‌داری، معیاری برای سنجش کارایی تخصیص منابع پایه‌گذاری شد که به افتخار اقتصاددان قرن نوزدهم میلادی یعنی ویلفردو پارتو به نام معیار پارتو^۱ نام‌گذاری شد. براساس این معیار که بر یک اصل اخلاقی ضعیف بنا شده است، یک تخصیص منابع زمانی کارآ یا کارآمد است که نتوان وضع دست‌کم یک نفر را بهتر کرد بدون آنکه وضع دیگران بدتر شود (پرمن و...، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲). برای حصول به تخصیص کارآمد منابع، برقراری شروط کارایی در مصرف و تولید ضروری است. شرط کارایی در مصرف تساوی نسبت مطلوبیت‌های نهایی مصرف دو کالای X و Y برای مصرف‌کنندگان A و B را

$$\left[\frac{U_x}{U_y} \right]^A = \left[\frac{U_x}{U_y} \right]^B \quad \text{به صورت زیر نشان می‌دهد:}$$

و شرط کارایی در تولید نیز تساوی نسبت تولید نهایی دو عامل کار و سرمایه در تولید کالاهای X و Y را به صورت زیر نشان می‌دهد:

$$\left[\frac{MP_L^x}{MP_K^x} \right] = \left[\frac{MP_L^y}{MP_K^y} \right]$$

شرط کارایی در ترکیب تولید تساوی ارزش یک کالا برحسب کالای دیگر و هزینه فرصت یک کالا برحسب کالای دیگر را بیان می‌کند که به صورت زیر است. (پرمن و...،

$$\left[\frac{U_x}{U_y} \right] = \left[\frac{MP_K^y}{MP_K^x} \right] = \left[\frac{MP_L^y}{MP_L^x} \right] \quad (157 \text{ ص } 1382)$$

برای سنجش میزان رفاه جامعه نیز یک تابع رفاه اجتماعی تعریف شده است که به سطح مطلوبیت تک تک افراد جامعه بستگی دارد؛ یعنی: $W = W(U^1, U^2, \dots, U^m)$ که بر طبق آن، یک تخصیص منابع، زمانی بهینه محسوب می شود که سطح رفاه اجتماعی (تابع W) را حداکثر نماید (پرمن و...، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷). حال که مبانی ارزشی اقتصاد کلاسیک را به طور اجمال مرور کردیم؛ آن دسته از انتقادات وارد شده به این مبانی که به نوعی با محیط زیست و منابع طبیعی در ارتباط است، بررسی می کنیم.

۱. مطلوبیت گرایی؛ عامل مهم ایجاد اثرات خارجی منفی زیست محیطی

تولید یا مصرف بعضی از کالاها و خدمات، غیر از هزینه یا فایده‌ای که برای تولیدکننده یا مصرف‌کننده دارد، ممکن است هزینه یا فایده‌ای برای فرد یا بنگاه دیگر داشته باشد که به آن «اثر خارجی» می‌گویند. چنانچه فعالیت فرد یا بنگاه، ضرر یا هزینه‌ای برای دیگران داشته باشد، به آن «اثر خارجی منفی یا غیراقتصادی» و چنانچه دارای منفعت و سود برای دیگران باشد به آن «اثر خارجی مثبت یا اقتصادی» می‌گویند. در صورتی که تولید کالای X به ایجاد یک اثر خارجی منجر شود، شرط کارآیی در تولید تغییر کرده و به صورت زیر درمی آید:

$$\left[\frac{PMP_L + EMP_L = SMP_L}{PMP_K + EMP_K = SMP_K} \right]^x = \left[\frac{MP_L}{MP_K} \right]^y$$

که PMP ، EMP و SMP به ترتیب عبارتند از: بهره‌وری نهایی خصوصی عامل تولید، بهره‌وری نهایی خارجی عامل تولید و بهره‌وری نهایی اجتماعی عامل تولید. اثر خارجی مثبت سبب افزایش رفاه جامعه و اثر خارجی منفی سبب کاهش رفاه جامعه می‌شود؛ اما در شرایط معمول و عادی، مکانیسم بازار قادر نیست این افزایش یا کاهش رفاه را عاید بنگاه نماید. یعنی چنانچه فعالیت یک بنگاه تولیدی دارای اثر خارجی مثبت باشد، تولیدکننده سودی نمی‌برد و چنانچه دارای اثر خارجی منفی

۱. برای کسب معلومات بیشتر رجوع شود به: پرمن، مک‌گیل‌ری، ما؛ اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی،

باشد، هزینه‌ای عاید او نمی‌شود و از این‌رو در شرایط وجود اثرات خارجی مثبت، فرد یا بنگاه در سطحی کمتر از سطح بهینه اجتماعی مصرف یا تولید می‌کند و در شرایط اثرات خارجی منفی، مصرف یا تولید بیش از حد بهینه اجتماعی است و از همین‌رو شرط کارآیی در تولید تحقق نمی‌یابد و در این شرایط است که لزوم دخالت دولت مطرح می‌شود تا با اقدامات مناسب خود، تخصیص کارآمد منابع و سطح بهینه اجتماعی را محقق سازد. به منظور داخلی کردن اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی، راهکارهای متعدد اقتصادی توسط دولت به اجرا درمی‌آید که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۱. مالیات بر آلودگی

ایده مالیات بر آلودگی اولین بار توسط پیگو در سال ۱۹۲۰ میلادی مطرح شد (ترنر و...، ۱۳۷۴، ص ۲۲۵). او پیشنهاد کرد که فرد یا بنگاه آلوده کننده براساس میزان خسارتی که به محیط زیست وارد می‌کند، مالیات بپردازد.

۱-۲. مجوزهای قابل مبادله

در این روش ابتدا میزان آلودگی قابل قبول در سطح ملی تعیین می‌شود و سپس برای انتشار آلودگی تا یک حد معین مجوز صادر می‌شود و هر فرد یا بنگاه آلوده کننده‌ای موظف است برای انجام فعالیت خود مجوز بگیرد. هر آلوده‌کننده‌ای که کمتر از میزان مجاز، محیط زیست را آلوده کند می‌تواند میزان باقی‌مانده از مجوز خود را به فروش رساند. به‌رغم بکارگیری راهکارهای متعدد اقتصادی برای مقابله با آلودگیها و لطمات زیست‌محیطی، تحقیقات دانشمندان حاکی از آن است که روند گسترش لطمات زیست‌محیطی رو به افزایش است. باقی‌ماندن تنها ۸ میلیون هکتار از ۱۷۰ میلیون هکتار جنگلهای آمریکا (فرمانفرمائی، ۱۳۵۳، ص ۱۲) و افزایش ۴ درصدی بروز سرطان پوست که ناشی از تخریب لایه ازن است (ترنر و...، ۱۳۷۴، ص ۳۸۷) و همچنین گرم‌شدن کره زمین، همگی مؤید این مدعا است که سطح رفاه اجتماعی در حال کاهش است و بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که راهکارهای اقتصادی مورد استفاده برای دستیابی به سطح بهینه رفاه اجتماعی کافی نیست. به همین دلیل،

امروزه شاهد گرایش روزافزون دانشمندان اقتصادی و متخصصان امور زیست‌محیطی به اخلاق هستیم. در این زمینه می‌توان به پژوهش ۳ ساله ۱۰۰۰ دانشمند در مرکز ادیان جهان واقع در دانشگاه هاروارد اشاره کرد که پیرامون ارتباط دین و محیط زیست انجام دادند و در نهایت اعلام کردند که: «ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری لجام گسیخته انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری مشترک برای حفظ محیط زیست استفاده کنند.» (شاه‌ولی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱) همچنین می‌توان به سخن دکتر تاپفر، مدیر اجرایی محیط زیست سازمان ملل، اشاره کرد که پیرامون نقش اخلاق گفته بود:

«اعتقاد راسخ دارم که ارزشهای معنوی جهان اسلام، بستر مناسبی برای اجرای برنامه‌های لازم جهت حفظ آفریده‌های خدا و تنوع زیست‌محیطی است.» (سراج الدین و...، ۱۳۷۹).

یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اثرات خارجی زیست‌محیطی و کاهش رفاه جامعه را می‌توان در ریشه‌های فلسفی و اخلاقی اقتصاد سرمایه‌داری جستجو کرد. زیرا براساس مکتب اصالت فایده، تنها هدف و انگیزه زندگی کوشش برای رسیدن به حداکثر بهره‌مندی و مطلوبیت است و بنابراین نمی‌توان فردی را که تنها به منافع خود می‌اندیشد و در برابر دیگران هیچ مسئولیتی احساس نمی‌کند را از بهره‌برداری حریصانه و آزمندانه منابع طبیعی و محیط زیست منصرف کرد و چنانچه نهادهای قانونی برای مقابله با چنین وضعی شکل گرفته باشد، او تا جایی که نتواند از چشم قانون پنهان شود، مقررات را رعایت می‌کند زیرا در غیر این صورت منافعش به خطر می‌افتد. با چنین جهان‌بینی، راه هرگونه ایثار و انصاف و رعایت حقوق دیگران و ارزشمند دانستن محیط زیست و... بسته می‌شود زیرا در این مکتب، ارزشهای ایده‌آل‌گرایی اخلاقی تنها وقتی به رسمیت شناخته می‌شود که برای منافع فرد سودمند باشد (نمازی، ۱۳۷۴، ص ۲۵).

۲. مطلوبیت‌گرایی؛ عامل ناپایداری توسعه

سالهاست که دانشمندان محیط زیست و بوم‌شناسان افزایش فعالیت‌های اقتصادی را

عامل مهم تخلیه و نابودی منابع طبیعی معرفی کرده‌اند و نشان داده‌اند که با افزایش فعالیتهای اقتصادی، پایداری و انعطاف‌پذیری اکوسیستمها در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بنابراین فعالیتهای اقتصادی و به تبع آن، رشد و توسعه اقتصادی به‌وسیله ظرفیتهای محیط زیست طبیعی محدود می‌شود. منشاء نظریه «محدودیتها» در تحقیقات متفکرانی چون مالتوس^۱ (۱۷۹۸) و ریکاردو^۲ (۱۸۱۷) قرار دارد.

مالتوس نگران محدودیتهای مطلق بود. او اعتقاد داشت که با توسعه اقتصاد، رشد جمعیت سریع‌تر از رشد وسایل امرار معاش (غذاهای تولیدشده توسط کشاورزی) بوده و ایجاد یک وضعیت نابسامان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. ریکاردو جنبه پیچیده‌تر و نسبتاً خوشبینانه‌تری را مد نظر قرار داد. او گفت که محدودیتها یا کمبود نسبی مانع اصلی رشد اقتصادی است. در تحلیل او محدودیتها در اثر بالا رفتن هزینه‌ها به‌وجود می‌آید زیرا منابع درجه یک (بهترین اراضی کشاورزی و ذخایر معدنی و...) که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، به مصرف می‌رسند و باید با منابعی که به‌طور متوالی از درجات پایین‌تری برخوردار هستند، جانشین شوند. با کاهش مرغوبیت منابع، هزینه‌های بهره‌برداری (به انضمام هزینه‌های آلودگی) افزایش می‌یابد (ترنر، ۱۳۷۴، ص ۶-۱۵). دالی^۳ (۱۹۷۴) نیز در زمینه محدودیتهای اکولوژیکی رشد و توسعه اقتصادی می‌گوید:

«ما می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که هیچ نوع فن‌آوری جدید نمی‌تواند کمیابی مطلق را از بین ببرد زیرا قوانین ترمودینامیک بر تمام فن‌آوری‌های ممکن حاکم است. فرض مورد پذیرش اقتصاددانان این است که اگر فن‌آوری فعلی بتواند از داخل یک کلاه خرگوشهایی بیرون بیاورد، غیرممکن است که بتواند از داخل کلاه یک فیل بیرون آورد؛ آن هم نه یک فیل بلکه مجموعه‌ای از فیلهای بزرگ و بزرگ‌تر» (پرمن و...، ۱۳۸۲، ص ۹۶).

با توجه به اینکه افزایش بی‌رویه فعالیتهای اقتصادی، انعطاف‌پذیری و پایداری اکوسیستمها را در معرض تهدید جدی قرار داده است و از طرف دیگر، سلامت

1 - Malthus.

2 - Ricardo.

3 - Daly.

اکوسیستمهای طبیعی برای تأمین نیازهای نسل آتی و رفاه آنها ضروری است؛ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، تعریف خاصی از توسعه پایدار ارائه می‌دهد. برطبق این تعریف، توسعه پایدار توسعه‌ای است که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی‌های نسل آتی در تأمین نمودن نیازهای خود برآورده نماید (ترنر و...، ۱۳۷۴، ص ۷۲). به عبارت دیگر توسعه پایدار، فرآیندی است که طی آن ما مطمئن هستیم سطح رفاه بشر در بلندمدت کاهش نخواهد یافت. براساس این تعریف، شرط توسعه پایدار این است که در طی آن، انباشت سرمایه که شامل مجموع سرمایه‌های فیزیکی، سرمایه‌های علمی، سرمایه‌های اجتماعی، سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های طبیعی است، حفظ می‌شود (ترنر و...، ۱۹۹۹، ص ۶).

اصل پایداری بر دو قسم است: الف. اصل پایداری ضعیف: بر طبق این اصل، شرط لازم و کافی برای توسعه اقتصادی پایدار، حفظ میزان سرمایه کل است و بنابراین رشد اقتصادی به شرطی می‌تواند ادامه یابد که در صورت استفاده از منابع طبیعی چون سوختهای فسیلی، انواع دیگر سرمایه تشکیل و جایگزین آن شود تا مجموع سرمایه کل برای استفاده آیندگان کاهش نیابد (ترنر و...، ۱۳۷۴، ص ۷۴).

ب. اصل پایداری قوی: براساس این اصل، میزان سرمایه طبیعی باید در طول زمان ثابت باشد و کل سرمایه‌های دیگر نیز باید ثابت بماند زیرا احتمال جایگزین شدن انواع دیگر سرمایه به جای سرمایه‌های طبیعی مثل لایه ازن وجود ندارد و به عبارت دیگر، در فرآیند توسعه پایدار، سرمایه‌های طبیعی و سایر سرمایه‌ها به عنوان مکمل یکدیگر مطرح می‌شوند و نه به عنوان جانشین یکدیگر (ترنر و...، ۱۳۷۴، ص ۷۴).

از تعریف توسعه پایدار این‌طور برداشت می‌شود که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست نسل حاضر باید منافع و مصالح نسلهای آتی را نیز در نظر بگیرد. این معنا در دو اصل ضعیف و قوی عدالت بین‌نسلی نیز متجلی است. براساس اصل ضعیف عدالت بین‌نسلی^۱ ما متعهد هستیم منابع طبیعی را طوری استفاده نماییم که نه تنها نسل فعلی بلکه نسلهای آینده نیز قادر باشند نیازهای اساسی خود را برآورده

سازند(ملین، ۱۹۹۹، ص ۸). براساس اصل قوی عدالت بین نسلی^۱ ما اخلاقاً متعهد هستیم منابع طبیعی را طوری استفاده کنیم که نسلهای بعدی انتظار داشته باشند به همان سطح از استاندارد زندگی که ما از آن بهره‌مند هستیم، برسند(ملین، ۱۹۹۹، ص ۸). حال که ارتباط بین توسعه پایدار از یکسو و عدالت بین نسلی و تعهد اخلاقی نسبت به نسلهای آینده از سوی دیگر، مشخص شد، به این سؤال پاسخ می‌دهیم که آیا مبانی ارزشی نظام سرمایه‌داری و مشخصاً مکتب اصالت مطلوبیت ما را به توسعه پایدار خواهد رساند؟

مکتب اصالت فایده یک نظریه فرجام‌شناختی^۲ یا نتیجه‌گرا است که مطلوبیت اجتماعی را اصل و مبنا قرار می‌دهد و سپس حقوق انسانی را با بکارگیری فرآیند حداکثرسازی مطلوبیت اجتماعی، استنتاج می‌کند. به عبارت دیگر، در این مکتب آن حقی به رسمیت شناخته می‌شود که مطلوبیت اجتماعی را افزایش دهد و حداکثر کند. با توجه به مطالب فوق، می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که در این مکتب، ملاحظه منافع و مصالح نسلهای آینده نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد؛ زیرا این امر مستلزم اعمال محدودیت در بهره‌برداری نسل فعلی از منابع طبیعی و محیط زیست است که نتیجه‌ای جز کاهش سطح مطلوبیت و رفاه اجتماعی نخواهد داشت و بنابراین قابل پیش‌بینی است که کیفیت فعلی رشد و توسعه اقتصادی به پایداری منتهی نخواهد شد.

۳. معیار پارتو؛ عامل نادیده‌گرفتن حق بهره‌مندی و لذت بردن انسان از محیط زیست پاک و طبیعت زیبا

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، معیاری که برای سنجش کارآیی تخصیص منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد معیار پارتو نام دارد. بر طبق این معیار، یک تخصیص منابع زمانی کارآ یا کارآمد است که نتوان وضع دست‌کم یک نفر را بهتر کرد بدون آنکه

1 - Strong Principle of Intergenerational Justice.

2 - Teleological.

وضع دیگران بدتر شود. از آنجایی که چنین تخصیصی کمتر محقق می‌شود، معیار پارتو بالقوه^۱ ملاک عمل قرار می‌گیرد. بر طبق این معیار، چنانچه در اثر اعمال یک سیاست عده‌ای سود برند و عده‌ای متضرر شوند، اگر امکان بالقوه جبران خسارت افراد متضرر توسط سودبرندگان وجود داشته باشد؛ به طوری که در نهایت، باز هم عایدی مثبت برای آنها باقی بماند، آن سیاست به لحاظ اجتماعی قابل اجرا است (هلمز، ۱۹۹۵، ص ۳). این معیار، یک معیار نتیجه‌گرا است که مایل است حقوق و ارزشهای انسانی را برای حصول به کارآیی نفی کند یا نادیده بگیرد (اریکسون، ۲۰۰۱، ص ۱۴). کوز در سال ۱۹۶۰ این معنا را در قالب مثالی مطرح می‌کند. او می‌گوید:

«فرض کنید به دلیل عبور قطار و ایجاد جرقه، مزرعه گندم کنار ریل راه آهن آتش بگیرد و نابود شود. در این صورت، آیا صاحب مزرعه حق داشته است کنار ریل راه آهن گندم بکارد؟ و بنابراین آیا حق دارد که بواسطه نابودی مزرعه‌اش ادعای خسارت نماید؟ یا اینکه عبور قطار از آن منطقه مطابق حق بوده است و بنابراین اشکالی ندارد که مزرعه نابود شود؟»

بر اساس مکتب اصالت مطلوبیت و معیار بهینه پارتو، هرکدام از این دو حق که رفاه اجتماعی را حداکثر نماید به رسمیت شناخته می‌شود (لانگ‌لوئیس، ۱۹۸۲، ص ۲۸۲). در زمینه منابع طبیعی و محیط زیست نیز، عمل به این معیار سبب می‌شود تا حق بهره‌مندی انسان از محیط زیست پاک و سالم و همچنین حق لذت بردن انسان از طبیعت زیبا نادیده گرفته شود. برای توضیح بیشتر، مثالی مطرح می‌شود. فرض کنید برای تکمیل شبکه حمل و نقل ریلی لازم است بخش وسیعی از مناطق جنگلی نابود شود. در این صورت، بر طبق معیار پارتو باید سود و زیان حاصل از این کار محاسبه شود. از آنجایی که در محاسبه سود و زیان این اقدام، ارزش پولی قابل مشاهده سود و زیان در نظر گرفته می‌شود، اولاً: منفعت حاصل از لذت بردن انسانها محاسبه نمی‌شود زیرا قابل مشاهده نیست و ثانیاً: منفعت حاصل از وجود جنگلها (برای سلامتی و حیات بهتر بشر) قابل محاسبه پولی دقیق نیست و بنابراین هردو منفعت

فوق، نادیده گرفته می‌شود و بدین ترتیب انسانها از حق بهره‌مندی و لذت بردن از محیط زیست پاک و طبیعت زیبا محروم می‌شوند. اکنون نوبت آن است که با تبیین مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام، انعکاس آن را بر نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست مورد بررسی قرار دهیم.

مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام

برخلاف اقتصاد سرمایه‌داری که در آن، مصرف‌کننده حاکمیت دارد در نظام اقتصادی اسلام، این مصالح فرد و جامعه است که حکومت می‌کند (میرمعزی، ۱۳۸۰، ص ۹۷). «مصلحت» یک مفهوم ارزشی است که با مفهوم «سعادت» ارتباط مستقیم دارد. هرچیزی که به سعادت فرد بینجامد، مصلحت او است و در غیر این صورت برایش مفسده دارد. در مورد جامعه نیز چنین است. اما سعادت فرد از دیدگاه اسلام در حداکثر کردن مجموع لذتهای مادی و معنوی و البته با اولویت لذتهای معنوی و اخروی است. پس هرچیزی که بر مجموع این لذتها بیفزاید به مصلحت فرد است. از طرف دیگر جامعه سعادت‌مند از دیدگاه اسلام جامعه‌ای است که در آن بیشترین افراد به بالاترین حد مجموع لذتهای مادی و معنوی رسیده‌اند.

از طرف دیگر، در اسلام اعتلای معنوی انسانها هدف نهایی محسوب می‌شود و اهداف امنیت اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی به عنوان اهداف میانی در نظر گرفته می‌شود (میرمعزی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). برای رسیدن به این اهداف، اسلام در حوزه رفتارهای اقتصادی، حدودی را برای کسب و صرف درآمد تعیین کرده است که آزادی فردی و حق مالکیت افراد را مقید و محدود می‌کند. براین اساس، آزادی فردی و حق مالکیت افراد تا جایی به رسمیت شناخته می‌شود که به افراد دیگر و جامعه زیان وارد نسازد. علاوه بر این در اسلام اصول زیر با بحث محیط‌زیست ارتباط دارند.

۱. اصل نفی ضرر

قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» که فقها برای اثبات اصل نفی ضرر به آن استناد می‌کنند بدین معنا است که ضرر و ضرار در اسلام وجود ندارد و بر این

اساس اولاً هیچکس حق ندارد حقوق دیگران را ضایع کند و ثانیاً حقی که احقاق آن باعث وارد شدن زیان و خسارت به حقوق دیگران شود از دید اسلام ساقط است.

۲. اصل عدالت

عدالت یعنی حق هر صاحب حقی به او عطا شود. در اهمیت اجرای عدالت می‌توان به سخن حضرت علی (ع) اشاره کرد که فرمود: «صلاح امور مردم ممکن نیست مگر با عدالت» (حکیمی و ...، ج ۶، ص ۴۰۰). همچنین قرآن کریم در سوره حدید آیه ۲۵ هدف بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل بیان می‌کند. عدالت زمانی اجرا می‌شود که حقوق ادا بشود و در واقع ادای حقوق همان اجرای عدالت است؛ بنابراین اهتمام اسلام به اجرای عدالت یعنی اهتمام اسلام به استیفای حق هر صاحب حق. بنابراین مصلحت افراد و جامعه در استیفای حق صاحبان حق می‌باشد.

۳. اصل حاکمیت دولت

برای آنکه عدالت در جامعه به‌طور کامل پیاده شود نیاز به حکومت است. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «اگر نبود یک میثاق الهی که حق مظلوم را بگیرم، بر شما حکومت نمی‌کردم.» یعنی در اندیشه ایشان حکومت برای اقامه حق است. از آنجایی که در اسلام هم فرد و هم جامعه اصالت دارد، هر دو از حقوقی برخوردار هستند که استیفای این حقوق در صورت لزوم برعهده حکومت است. بر مبنای ارزشی نظام اقتصادی اسلام، نتایج زیست‌محیطی ذیل مترتب است:

الف. عدم ایجاد اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی و یا دست کم کاهش بسیار زیاد آنها در نظام اقتصادی اسلام، اولاً: ارتباط و وابستگی مطلوبیت فرد به مطلوبیت افراد دیگر یک قاعده مبنایی محسوب می‌شود. این وابستگی نه فقط به جهت احساس خشنودی و رضایت درونی انسان از انجام کارهای خیر و احساس گناه از انجام کارهای زشت و بد است؛ بلکه مهم‌تر از آن اینکه سعادت یک فرد به کسب لذتهای اخروی وابسته است و حصول به این لذتها جز با اطاعت امر خداوند در مراعات حق الله و حق الناس میسر نیست. بنابراین یک انسان معتقد می‌داند که اگر به حق دیگری تجاوز نکند و آن را محترم شمارد؛ در عین حال که باعث افزایش مطلوبیت آن شخص می‌شود به رضای

خداوند و لذت‌های اخروی خواهد رسید؛ هرچند که منافع مادی را از دست بدهد. زیرا منافع مادی که از دست می‌دهد، قابل قیاس با منافع اخروی که کسب می‌کند نیست. بنابراین با مراعات حقوق دیگران و افزایش مطلوبیت آنها، مطلوبیت او نیز افزایش می‌یابد.

روایات فراوانی که در مدح برطرف کردن حوایج دیگران و در مذمت بی‌اعتنایی نسبت به احوال دیگران وارد شده همگی مؤید قاعده مبنایی ارتباط مطلوبیت افراد به یکدیگر است. و رفتارهای مبتنی بر اخلاق را تا حد زیادی تقویت می‌کند. در نظام اسلامی یک فرد طوری عمل خواهد کرد که تا حد امکان اثرات خارجی منفی ایجاد نشود؛ چون در غیر این صورت مطلوبیت خودش کاهش خواهد یافت.

ثانیاً: در زمینه مسائل زیست‌محیطی رسیدن به حداکثر بهره‌مندی و رفاه دنیوی نیز مستلزم رعایت اخلاقیات زیست‌محیطی توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. به عبارت دیگر همان‌طور که قصاب، نانوا و... به علت نیکوکاری به دیگران خدمات ارائه نمی‌کنند؛ بلکه به علت منافع شخصی خودشان این کار را انجام می‌دهند (بر طبق دیدگاه اصالت فایده) درست به همین دلیل هم باید از محیط زیست محافظت کنند؛ زیرا اگر قرار باشد که هر تولیدکننده یا مصرف‌کننده‌ای برای رسیدن به حداکثر بهره‌مندی کوتاه‌مدت خود محیط‌زیست را آلوده کند، در میان‌مدت و به‌ویژه در بلندمدت با کاهش رفاه حاصل از آلودگی و نابودی محیط‌زیست مواجه خواهد شد. زیرا عواقب ناهنجار زیست‌محیطی همه افراد جامعه اعم از تولیدکننده یا مصرف‌کننده، فقیر یا غنی را کم و بیش در معرض خطر قرار می‌دهد. بنابراین مراعات اخلاقیات زیست‌محیطی حتی به قیمت کاهش سود و مطلوبیت کوتاه‌مدت، با هدف حداکثر کردن نفع شخصی منافات ندارد؛ بلکه درست در راستای همان هدف است. ارزشهایی چون حسن‌ظن، نوع دوستی، عدم خیانت، وفای به عهد، قناعت و... که در همه مکاتب اخلاقی و مخصوصاً مکتب اخلاقی اسلام مورد سفارش قرار گرفته است می‌تواند زمینه ایجاد تفاهم جمعی و ایجاد اعتماد متقابل بین همه افراد جامعه اعم از تولیدکننده یا مصرف‌کننده را نسبت به عملکرد فرد دیگر در قبال حفاظت از محیط‌زیست و مراعات اخلاقیات زیست‌محیطی

فراهم آورد. همچنین می‌تواند انگیزه مضاعفی را برای عدم پیگیری هدف حداکثر کردن نفع شخصی حتی به قیمت نابودی محیط‌زیست، در افراد ایجاد کند و بدین وسیله زمینه پاکیزگی و سلامت محیط زیست را فراهم آورد.

ثالثاً: در صورتی که با ایجاد اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی توسط یک فرد یا بنگاه، حقوق افراد دیگر یا جامعه مورد تعرض قرار گیرد، حکومت اسلامی موظف است با دخالت خود استیفای حق نماید؛ زیرا بر طبق اصل نفی ضرر ایجاد اثرات خارجی منفی ممنوع است و اصل عدالت ایجاب می‌کند که حقوق تضییع شده استیفا شود. بنابراین حکومت اسلامی بر طبق اصل حاکمیت دولت موظف است مداخله کرده و عدالت را اجرا نماید. تفاوت دخالت دولت در مکتب اصالت فایده با دخالت دولت در نظام اقتصادی اسلام این است که بر طبق دیدگاه اصالت فایده حقوق نسبی است و آن حقی به رسمیت شناخته می‌شود که رفاه جامعه را بیشتر کند. مطابق این دیدگاه ممکن است ایجاد یک اثر خارجی منفی تجویز شود هرچند که حقوق افراد دیگر یا حقوق محیط زیست ضایع گردد؛ اما از نظر اسلام حقوق مطلق است و حقوق هریک از افراد و موجودات دیگر و حقوق جامعه معین و مشخص است و با توجه به اینکه اسلام یک مکتب عدالت‌محور است و نه یک مکتب نتیجه‌گرای رفاه‌طلب، در شرایطی که حقی تضییع می‌شود، حکومت اسلامی موظف است دخالت و احقاق حق نماید. این وظیفه در اصول ۲، ۳ و ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح و تأکید شده است. بنابراین در شرایط ایجاد اثرات خارجی منفی زیست‌محیطی حکومت اسلامی با مداخله خود مانع ایجاد این آثار منفی می‌شود.

ب. تحقق توسعه پایدار

خداوند در آیه ۱۰ سوره الرحمن که می‌فرماید: «و الارض وضعها للانام» بازگوکننده این مطلب است که بهره‌برداری از زمین و هرچه در آن است به همه انسانها در همه زمانها تعلق دارد. به عبارت دیگر همه انسانها در همه زمانها نسبت به منابع طبیعی دارای حق هستند و نسل حاضر نمی‌تواند از منابع طبیعی طوری استفاده کند که حق آیندگان ضایع شود. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تلویحاً این

حق نسل‌های آینده را به رسمیت شناخته است. بنابراین تک‌تک افراد این نسل نسبت به بهره‌برداری منصفانه و عادلانه از منابع طبیعی و محیط‌زیست متعهد هستند و در قبال نسل‌های آینده مسئولیت دارند در نتیجه، عدم رعایت شرایط توسعه پایدار در بعد فردی به منزله تخطی از ادای مسئولیت و انجام وظیفه محسوب می‌شود که مطلوبیت انسان را کاهش خواهد داد. در بعد اجتماعی نیز حکومت اسلامی موظف است زمینه ایجاد عدالت بین نسلی (عدالت در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست بین نسل حاضر و نسل‌های آینده) را فراهم آورد تا امکان استیفای حق توسط صاحبان حق (آیندگان) فراهم گردد. بدین‌ترتیب چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی به سمت شکل‌گیری توسعه پایدار سوق پیدا خواهد کرد.

ج. بهره‌مندی و لذت‌بردن انسان از محیط‌زیست پاک و طبیعت زیبا

اسلام برای موجودات زنده غیرانسان و حتی موجودات غیرزنده‌ای چون رودخانه‌ها و نهرها نیز حقوقی را در نظر گرفته است که انسانها موظف به رعایت آنها هستند. به عنوان مثال در تعالیم پیشوایان ما آمده است که: زنبور عسل را نکشید؛ به‌صورت چهارپایان تازیانه نزنید (جرعاملی، ج ۹، ص ۳۵۳)؛ به لانه حیوانات حمله نکنید؛ استراحت و خواب پرندگان را سلب ننمایید (جرعاملی، ج ۲۴، ص ۲۸۱)؛ از بریدن درختان و آلوده کردن آنها خودداری کنید.

رهنمودهای فوق بر حقوق حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها دلالت دارد. هرچا که حقی است تکلیفی نیز وجود دارد و بنابراین در مقابل حقوق حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها و به‌طورکلی در مقابل حقوق محیط‌زیست، انسانها مکلف هستند این حقوق را رعایت کنند و از آنجایی که عمل به تکلیف باعث افزایش مطلوبیت انسان می‌شود، این حقوق به‌وسیله افراد تا حد بسیار بالایی رعایت خواهد شد. از طرف دیگر انسانها نیز حق دارند از محیط زیست پاک بهره‌مند شوند و از طبیعت زیبای خدادادی لذت ببرند.

با توجه به اینکه در اسلام حقوق نسبی و وابسته به امور دیگری چون اصالت فایده و بهینه پارتو نیست؛ بلکه مطلق است و اجرای عدالت از اهداف مهم نظام اسلامی

محسوب می‌شود، دیگر جایی برای بکارگیری مکتب و معیار نتیجه‌گرای اصالت‌فایده و بهینه‌پارتو باقی نمی‌ماند؛ زیرا اسلام این اجازه را نمی‌دهد که به دلیل افزایش رفاه جامعه محیط زیست نابود گردد و حق بهره‌مندی انسانها از طبیعت زیبا و سالم ضایع شود. اصل ۵۰ قانون اساسی نیز با همگانی دانستن وظیفه محافظت از محیط زیست و ممنوع کردن آلودگی و تخریب آن، راه را برای مداخله دولت هموار کرده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا مبانی ارزشی نظام اقتصادی سرمایه‌داری تبیین و به بررسی انتقادات وارد شده به این مبانی که به نوعی با محیط‌زیست در ارتباط هستند پرداخته شد. سپس برخی از اصول و مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام و نتایج زیست‌محیطی حاصل از آن بررسی گردید.

می‌توان گفت به‌رغم راهکارهای متعدد اقتصادی که برای حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست در غرب صورت می‌گیرد، روند تخریب و نابودی محیط‌زیست و منابع طبیعی همچنان ادامه دارد که یکی از مهم‌ترین دلایل آن، مبانی ارزشی اقتصاد کلاسیک غرب می‌باشد. در طرف مقابل، مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام این توان را دارد که از منابع طبیعی و محیط‌زیست محافظت کند؛ اما تحقق این امر مستلزم پیاده شدن این مبانی در سطح جامعه است.

منابع و مأخذ:

۱. پرم، راجر؛ مگگیلری، جیمز؛ ما، یو (۱۳۸۲)، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، ترجمه حمیدرضا ارباب، چاپ اول، نشر نی.
۲. پژوهان، جمشید (۱۳۷۲)، *اقتصاد بخش عمومی*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۳. ترنر، کری؛ پیرس، دیوید؛ باتمن، آیان (۱۳۷۴)، *اقتصاد محیط زیست*، مترجم: سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی، علی کلاهی اهری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
۴. الحرالعاملی، محمدین الحسن (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۵. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی؛ (۱۳۶۸)، *الحیات*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. سراج‌الدین، اسماعیل؛ یارت، ریچارد (۱۳۷۹)، *اخلاقیات و ارزشهای معنوی در خدمت توسعه پایدار براساس محیط زیست*، ترجمه اشرف‌العقلایی، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۷. شاه‌ولی، منصور (۱۳۷۸)، *گفتمان پایداری محیط زیست بین پراگماتیسم و دین اسلام*، کتابخانه سازمان حفاظت محیط زیست.
۸. فرمانفرمیان، فاطمه (۱۳۵۳)، *توسعه اقتصادی و مسائل زیست‌محیطی*، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۹. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۰)، *نظام اقتصادی اسلام*، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۰. نمازی، حسین (۱۳۷۴)، *نظامهای اقتصادی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

11. Annand-on-hudson(2000), "Ethics , Justice , Democracy and the Environment" , Center for Environmental Policy, www.bard.edu.
12. Baird, Charles(1982), "The Philosophy and Ideology of Pollution Regulation", *Cato Journal* , Vol 2. No.1.

13. Eriksson, Ralf(2001), *on the Ethics of Environmental Economics*, Abo Akademi University- Abo , Finland, page 14.
14. Harsanyi, John(1995), "Cardinal Welfare , Individualistic Ethics and Interpersonal Comparisons of Utility", *Journal of political economy* , vol 63, pp.309-321.
15. Holmes, Thomas, Kramer Randall(1995), "Economic Values , Ethics and Ecosystem Health" , Southern Research Station, u.s. forest service 1th international symposium on ecosystem health and medicine and Duke University, page 3, www.srs.usda.gov.
16. Langlois, Richard(1982), "Cost - Benefit Analysis, Environmentalism and Rights" , *Cato journal* , Vol.2 - No.1, page 282. www.cato-institute.org
17. Lehman Glen, "A Role for social and Environmental Accounting and Auditing" , The University of south Australia, www.Bus.osaka-cu.ac.jp.
18. Melin Anders(1999), "Reflexive Equilibrium as a Method for Analyzing the Ethical Problems of Assessing Environmental Impacts" , Linkoping University -*vastra working paper* 16, page 8.
19. Oka, Tosihiko(1997), *wlfare Economics on the Ethical Foundation and the Environmental Problem*, Fukui Prefectural Uni.
20. Tungodden Bertil(2003), "Some Reflections on the Role of Moral Reasoning in Economics", Norwegian School of Economics and Business Administration, www.aran.univ-pau.fr.
21. Turner, Kurry(1999), "Environmental and Ecological Economics Perspectives" , Handbook of Environmental and Resource Economics, www.euroecolecon.org.
22. Zilberman David(2002), "On Economics , Ethics , Politics and the Environment" , University of California , www.http//are.berkeley.edu.

۱۲/۳/۲۰۲۳
۱۷۹